A Study of Social and Cultural Factors Affecting Honor Killings

Mohammed Javanmard*: Ph.D. student, faculty member of Amin Police Academy, Tehran, Iran. yang.man80@gmail.com
Taha Ashayeri: Ph.D. of study of social problems of Iran, The Young Researchers and Elite Club, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran. t.ashayeri@gmail.com
Elham Abbasi: Faculty of social sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran. e_abbasi55@yahoo.com,

Abstract

Introduction: Honor or shame killings refer to the murdering of a family member by other relatives or community members due to her/his actions and behaviors that are considered immoral and a threat to the dignity and honor of the society. The main objective of this study was to examine the social and cultural factors affecting honor killings among rural families.

Methods: This survey was applied research in terms of its purpose and nature. It also followed quantitative, descriptive, and analytical methods which used a close-ended and Likert-based scale questionnaire to gather data. The reliability of the questionnaire was approved by Cronbach's alpha test. From one thousand, two hundred fifty rural households as the population of the study, two hundred and ninety-three households were selected as the sample through Cochran formula and stratified sampling methods.

Results: The findings demonstrated that there was a significant relationship between social prejudices0.610, collectivism0.348, sensitivity to honor0.401, masculine attitude0.519, social isolation0.678, social poverty0.489, cultural poverty0.710 and economical poverty0.363 with honor killings. However, there was no significant relationship between social exclusion with the occurrence of honor killings. Regression results also revealed that honor killings (Beta=0.324) are mainly affected by social poverty.

Conclusions: The results showed that factors affecting honor killings in rural areas were appropriately justified as variables of this study. Furthermore, this result confirms previous research results including Sev'er2014, Zaumot2014, Singhal2014, Marcus and Jacques2014. In general, according to the findings of the current study as well as findings from the literature, honor killings are often considered as a social-cultural phenomenon.

Keywords

Honor Killings or Shame Killing

Social Structure

Cultural Poverty

Prejudice

Women

*Corresponding Author
Study Type: Original
Received: 24 Jan 2016
Accepted: 13 Nov 2020

Please cite this article as follows: Javanmard M, Ashayeri T, and Abbasi E. A study of social and cultural factors affecting honor killings. Quarterly journal of social work. 2019; 9 (3); 48-56

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.3.6.3]

بررسی عوامل اجتماعی-فرهنگی موثر بر قتل‌های ناموسی

محمد جوانمرد*: دانشجوی دکتری، عضو هیات علمی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. yang.man80@gmail.com

طاها عشایری: دانشجوی دکتری بررسی مساله‌های اجتماعی ایران، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران. t.ashayeri@gmail.com

الهام عباسی: عضو هیات علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. e_abbasi55@yahoo.com

واژگان کلیدی

قتل ناموسی

ساختار اجتماعی

فقر فرهنگی

تعصب

زنان

چکیده

مقدمه: قتل‌های ناموسی به قتل دختر و پسر توسط اعضای خانواده، فامیل یا جامعه اطلاق می‌شود که اعمال و رفتارهای آن‌ها برحسب عرف و هنجار جامعه غیراخلاقی تلقی شده و تهدیدی بر آبرو و شرف تلقی می‌شود. هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی نگرش روستائیان نسبت عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر قتل‌های ناموسی بود.

روش: این پژوهش توصیفی و از نظر هدف کاربردی، به روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق ساخته به روش لیکرت اجرا شده است. سطح پایایی ابزار تحقیق با آزمون آلفای کرونباخ تایید شد. همچنین با استفاده از فرمول کوکران و نمونه‌گیری طبقه‌ای احتمالی از جامعه‌آماری هزار و دویست و پنجاه خانوار روستایی، دویست و نود و سه خانوار انتخاب شدند.

نتایج: یافته‌ها نشان داد، بین تعصب اجتماعی ششصد و ده هزارم، جمعگرایی سیصد و چهل و هشت هزارم، حساسیت به ناموس چهارصد و یک هزارم، نگرش مردسالارانه پانصد و نوزده ، انزوای اجتماعی ششصد و هفتاد و هشت هزارم، فقر اجتماعی چهارصد و هشتاد و نه هزارم، فقر فرهنگی هفتصد و ده هزارم و فقر اقتصادی سیصد و شصت و سه هزارم با قتل‌های ناموسی رابطه معناداری وجود دارد، ولی بین طرد اجتماعی با وقوع قتل‌های ناموسی رابطه معناداری وجود نداشت. یافته‌های رگرسیون همزمان نیز نشان داد که قتل‌های ناموسی بیشتر متاثر از فقر اجتماعی با بتای سیصد و بیست و چهار هزارم است.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که متغیرهای تعیین شده به‌عنوان عوامل موثر بر قتل‌های ناموسی مورد تایید بوده و نتیجه آن با نتایج تحقیقات قبلی از جمله سور۲۰۱٤، زاموت۲۰۱٤، سینگال۲۰۱٤ و مارکوس و زاکوس۲۰۱٤ همخوانی داشته است. به‌طورکلی، تحقیقات انجام شده قبلی و تحقیق حاضر، قتل‌های ناموسی را اغلب پدیده‌ای اجتماعی-فرهنگی می‌دانند.

* نویسنده مسئول
نوع مطالعه: پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۳۹٤/۱۱/۰٤
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۳

نحوه استناد به مقاله: محمد جوانمرد، طاها عشایری و الهام عباسی. بررسی عوامل اجتماعی-فرهنگی موثر بر قتل‌های ناموسی. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۹؛ ۹ (۳): ٥٦-٤٨

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.3.6.3]

مقدمه

آن طـور کـه در فرهنگ‌های فارسـی عمیـد و معین گفته شـده، ناموس مترادف اسـت با شـرف، عفـت، عصمت، آبـرو، غیـرت، قانون و شـریعت الهی که جمـع آن نوامیس اسـت.زمانی که یکـی از افـراد خانواده با زیر پاگذاشـتن ارزش‌هـای دینـی، اجتماعی و عرفـی که برای آن خانواده شـرم، سـرافکندگی و بدنامی بـه بار می آورد، قتل ناموسـی رخ می‌دهـد. قتل‌هـای ناموسـی بـه لحـاظ تاریخـی به زمـان امپراتـوری روم بـر می‌گردد، آن‌هـا در عصـر جاهلیت دختـران مجـرد و ازدواج نکـرده را بـه قتـل می‌رسـاندند.[۱] این پدیده که در کشـورهای آسـیایی نیز رایج اسـت،[۲] حاصـل محیـط اجتماعی-فرهنگـی و عملـی اسـت کـه به‌خاطـر سـرپیچی از دسـتورات پـدر یـا بـرادر رخ می‌دهـد،[۳و٦] رفتـاری غیراخلاقـی توسـط زنـان کـه برای اعضـای خانـواده ننـگ‌آور و مایه شرمسـاری اوسـت. [۷] برخـی معتقدنـد علت ایـن عمل ناشـی از شرمسـاری اعضـای خانـواده اسـت.[٤]اگرزنان بخواهندبـه ازدواجی اقـدام کنندکـه در آن خواسـت خانـواده بـه ویـژه پدرمـورد توجـه قـرار نگرفتـه باشـد خشـونت رخ مـی دهد[۵] نتایج پژوهش سـور۲۰۱٤ با عنوان تغییرات فرهنگی و تحلیلی فمینیستی از قتل ناموسی نشان می‌دهد که ساختار اجتماعی، سـنت پرسـتی، خانواده گرایی و اقتدارگرایی از عوامل دخیل در مساله قتل ناموسی است.[۸] پژوهش زاموت۲۰۱٤ با عنوان جرم‌های ناموسـی در خاورمیانه نشان می‌دهد، مردان کشـتن زنان به‌ویژه خواهر، دختر و زن خود را برای زدودن داغ ننگ امری ضروری دانسـته و آن را جرمی سـنگین در آیین خود تلقی می کنند. در عراق، اردن و پاکسـتان جرم تلقی نشدن قتل ناموسی در اقدام به آن تاثیر گذاشته است.[۹]

پژوهشـی با عنوان خطر قتل‌های ناموسـی در هند توسـط مروگاننـزان۲۰۱٤ انجام گرفته که یافته‌های آن نشـان می‌دهد، درون‌گروهی بودن ازدواج، ممنوع بودن ازدواج با برون گروه، فقر اقتصادی، فقر فرهنگی، فقدان تحرک اجتماعی، محصور بودن در عقاید سـنتی علل قتل‌های ناموسـی در نظام کاستی هند اسـت.[۱۰] پژوهش دیگری توسط سینگال۲۰۱٤با عنوان قتل ناموسـی در هند صورت گرفته که نشـان می‌دهد قتل ناموسی مساله فرهنگی و اجتماعی بوده و عواملی نظیر جنسیت، فقدان آگاهی اجتماعی، سـنت‌گرایی، اسـتفاده نکردن از رسـانه و عصبیت در وقوع آن دخیل بوده است.[۱۱] مارکوس و زاکوس۲۰۱٤ نیز در مطالعه خود با عنوان قتل ناموسـی در فلسطین نشـان دادند که مساله‌های طایفه‌ای، فقدان حقوق لازم برای زنان، باورهای فرهنگی و اجتماعی، انزوای محلی و هنجارهای جامعه در این مساله دخیل هستند.[۱۲]

ابولگـود۲۰۱۱ در تحقیقـی بـا عنـوان کاهـش جرم‌هـای ناموسـی نشـان داد، جرم‌هـای ناموسـی بیشـتر در مـورد زنـان اجـرا می‌شـود و ایـن نوعـی نابرابـری در فضـای اجتماعـی اسـت.[۱۳] در جوامـع درحال‌توسـعه، زن کشـی یکـی از راه‌هـای پاسـخ بـه عصبیـت اجتماعی اسـت. ایـن عمـل نشـانگر سـاختار اجتماعـی و مسـاله فرهنگ و هنجـار در جهت‌دهـی کنش‌هاسـت. معمـولا هنجارهـا، زنان و جنـس مونـث را قربانی اهـداف خود می‌کنـد.[۱٤] قتل رساندن دیگری برای پاسخ به عکس العمل اجتماع، نوعی راهکار برای مقابله با جرم‌ها است؛ این مساله در جامعه سنتی بیشتر نمود دارد.[۱۵] گذر جوامع از سنتی به مدرن، و میزان جرم تلقی شدن آن، مساله‌های ناموسی را کاهش داده و تا حدی هنجارهای اجتماعی را در مواجهه با مسـاله‌های اخلاقی و ناموسـی منعطف ساخته است.[۱٦] وجود سرمایه درون‌گروهی، گاهی آثار منفی دارد که از نوع سـرمایه اجتماعی منفی محسـوب می‌شـود؛ مانند نظام هنجاری طایفه‌ای، خویشاوندی و جمعگرایانه که فردیت را از بین می‌برند و رفتارهای فردجویانه را منع می‌کند و نمونه آن، رفتارهای اخلاقی فردی اسـت که از سوی زنان در اجتماع ناپسند شمرده می‌شود.[۱۷]

آشیز۲۰۱۱ نیز معتقد است که قتل ناموسی مساله فرهنگی و اجتماعی است و بیشتر از فرهنگ، از عرف و قواعد نهادینه‌شده در جامعه اثر می‌پذیرد.[۱۸] پژوهشی با عنوان شیوع رسم قتل‌های ناموسی در پاکستان توسط موزام۲۰۰۹ انجام شده که نشان می‌دهد که از زمان‌های بسیار قدیم در پاکستان، قتل زنان از قبیل سوزاندن، خفه کردن، سنگسار کردن در دید عموم، آزار و اذیت منجر به قتل در بین مردم شـایع بوده است. همچنین، مسـاله‌های اجتماعی-فرهنگی ازجمله هنجار جامعه، آبروی اجتماعی، داغ ننگ، ازدواج به انتخاب خود دختر، فرار از منزل، نقص قوانین جامعه و ایل و سرپیچی از دستورات اعضای خانواده از عوامل عمده قتل‌های ناموسی مطرح شده است.[۱۹]

قتل‌های ناموسی، پدیده‌ای جهانی است[۲۰] و در بسیاری از کشورها از جمله ترکیه، افغانستان، عراق، عربستان صعودی،

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.3.6.3]

مصر، فلسطین، اردن، بنگلادش، الجزایر، برزیل، اکوادور، مراکش، اسرائیل، اتیوپی، سومالی، اوگاندا، بالکان، سودان، هلند، آلمان، ایتالیا، ایران، یمن و هند رخ می‌دهد. [۲۱] براندن و هافز در مطالعات خود قتل ناموسی را جرمی فاش شده می‌دانند. ازنظر آنان ناموس مفهومی جامع و بسیار پیچیده است و در جوامع مختلف برحسب هنجارهای فرهنگی، تعاریف گوناگونی از آن می‌شود.[۲۲] دو پیامد اصلی قتل ناموسی عبارتند از **طردشدگی:** خانواده‌ای که در آن رفتار غیراخلاقی رخ می دهد و این رفتار توسط فامیل نادیده گرفته می شود از جامعه طرد می‌شود.

از دست دادن منزلت اجتماعی: طرد شدگی اعضای خانواده، موجب احساس شرم و مانع تعامل اجتماعی آنان با همسایه‌ها و دوستان می‌شود. به پایگاه اجتماعی خانواده آسیب جدی وارد می‌شود و باعث افسردگی و تمایل اعضاءخانواده به خودکشی می گردد.[۲۳] قتل ناموسی زن توسط خویشاوند مرد نه تنها یک عمل فردی خشونت نیست، بلکه عملی جمعی، برنامه‌ریزی‌شده از قبل و پذیرفته شده از دید اجتماع، مردان، زنان ، جامعه و اعضای خانواده است.[۲۴] ارزش‌های فرهنگی و سنتی به‌عنوان سرمایه اجتماعی هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند. همه رفتارها و اعتقادات انسان‌ها توسط قانون

نمودار(۱) مدل مفهومی تحقیق نگارندگان

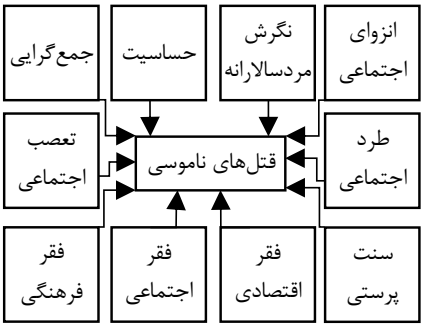

هدایت می‌شوند. این قوانین در جامعه ریشه دوانده است. جامعه‌شناسان از تغییرات فرهنگی حمایت می‌کنند و معتقدند که تغییرات در دنیا به‌خاطر پیشرفت اقتصادی و نوسازی اتفاق می‌افتد، به هر حال فرهنگ تاثیر مستقلی بر انسان می‌گذارد.[۲۵] احترام و قداست به نهاد خانواده و طایفه و قوم، اعتقادات مذهبی، نظارت اجتماعی شدید جامعه، طرد افراد خاطی از جامعه، وجود انگ‌های اجتماعی شدید برای افراد خاطی و اعمال شدیدترین مجازات اجتماعی برای افراد خاطی از جمله این موارد هستند.[۲۹] خشونت علیه زنان، به‌طور نمادین توسط مردان رخ داده است که در آن زنان به رفتار غیراخلاقی متهم هستند.[۲۶] این عمل غیرقانونی[۲۷] در مقایسه با مردان، عملی علیه زنان است. جایی که اعضای خانواده به‌خاطر اتهامات غیراخلاقی، قربانی را از بین می برند.[۲۸] دربارهٔ نحوهٔ اختلاف میان زن و مرد از حیث جنس و جنسیت فمینیست‌ها اشتراک نظر ندارند. بعضی از آن‌ها معتقدند که میان زن و مرد از حیث زیستی و بیولوژیکی، اختلاف نظر است، اما برخی دیگر حتی این قدر از تفاوت را قبول ندارند و معتقد هستند که نظریه‌های زیست شناختی، برای توجیه تفاوت میان زن و مردبه وجود آمده‌اند(۳۰). به عنوان نمونه، اوکلی معتقد است؛ تلاش‌های صورت گرفته برای سنجش تفاوت‌های جنسی بیولوژیک، همواره بر تفاوت‌ها و نه شباهت‌های میان زن و مرد تأکید کرده‌اند (۳۱) و نظریه‌های زیست‌شناختی در مورد تفاوت‌های جنسی، مفاهیم اجتماعی هستند که در خدمت منابع گروهی هستند که از لحاظ اجتماعی مسلط می‌باشند (۳۲). در مقابل این نظریه، بعضی از فمنیست‌ها معتقدند که تفاوت جنسی نباید موجب تفاوت در جنسیت شود. بر طبق این رویکرد، «زنانگی» و «مردانگی» نه ویژگی ذاتی، مطلق و فراسوی زمان و مکان، بلکه مقولاتی اجتماعی و فرهنگی و ساخته و پرداخته شرایط تاریخی معین و گاه سیاسی و اقتصادی به شمار می‌آید(۳۱). به عنوان نمونه، فمینیسم لیبرال، تمامی انسان‌ها را عواملی اساساً عقلانی در نظر می‌گیرد و تأثیر جسم در نیروی تعقل انسان را اگر هم بپذیرد، بخشی از جوهرهٔ انسانی نمی‌شناسد. به همین سبب، جنسیت فرد را تعیین کنندهٔ حقوق او نمی‌داند. بدین ترتیب، فمینیست‌های لیبرال معتقدند که سرشت زنانه و مردانه کاملاً یکسان است و تنها انسان وجود دارد، بدون جنسیت(۱۲).جوامع سنتی تابع هنجارهای اجتماعی می باشند که برحسب عرف، فرهنگ محلی و ساختار اجتماعی تکوین یافته است. رفتارهای افراد به‌شدت توسط این ساختار و نظارت اجتماعی، تحت کنترل می باشد. منحرفان از این قواعد را با مجازات اجتماعی مواجه می‌سازند. در چنین ساختار اجتماعی، تسلط مردان بر زنان به‌خاطر مساله‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی امری اجتناب‌ناپذیر است.

در جوامع در حال توسعه به‌ویژه جوامع سنتی، چنین استنباط می‌شود که این فقط زنان هستند که مساله‌های اخلاقی را باید بیشتر رعایت کنند

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.3.6.3]

و مقید به رعایت هنجارها و عرف اجتماعی باشند که سرپیچی از آن‌ها می‌توانـد منجر بـه وقوع حوادث ناگواری از جمله قتل آنان شـود. این ویژگی در جوامع سـنتی و بسـته به مراتب بیشتر از سایر جوامع از جمله جوامع شـهری اسـت. بنابراین، هدف اصلی پژوهش، بررسـی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر قتل‌های ناموسی اسـت و به دنبال پاسخ به این سوال است؟ از دید روستائیان چه عوامل اجتماعی- فرهنگی بر بروز قتل‌های ناموسی موثر است ؟

روش

این پژوهش توصیفی و از نظر هدف کاربردی، به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق شامل هزارو دویست و پنجاه خانوار روسـتایی اردبیل اسـت که دویست و نود و سه خانوار با اسـتفاده از فرمول محاسبه حجم نمونه کوکران برای مشارکت در پژوهش با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌ای احتمالی انتخاب شدند.

ملاک‌های ورود و خروج

ملاک ورود:: زنان ومردان بین بیست الی شصت و پنج سال، شاغل به کشاورزی، دامداری، خانه‌داری، رانندگی و شغل آزاد. تمایل به مشارکت در پژوهش.

ملاک خروج: تمایل نداشتن به مشارکت. پاسخ ناقص به پرسشنامه.

به‌منظور رعایت ملاحظات اخلاقی پژوهش ،اعتماد پاسخگویان در خصوص محرمانه ماندن هویت و اطلاعات شخصی، جلب گردید.از اشخاص آشنا به محیط و تعامل صمیمی جهت کسب اطلاعات نیز استفاده شد. پرسش‌ها به نحوی تکمیل گردید که برای پاسخگویان، تبعات روحی و روانی، خانوادگی و اجتماعی ایجاد نکند.

اطلاعات مربوط به حجم نمونه و جامعه آماری هر یک از طبقات را جدول شماره یک نشان می دهد.

ابزار پژوهش

پرسشـنامه محقق سـاخته است شامل نه سـوال درباره اطلاعات جمعیت شـناختی و توصیفی و سـی گویه که به کمک آن‌ها اطلاعات مـورد نیاز درباره عوامـل روانی-اجتماعی جمع‌آوری گردید. پاسـخ‌ها بر اسـاس طیف لیکرت از کاملا موافقم تا کاملا مخالفم طبقه‌بندی شـد. برای منبـع تجربی شـاخص‌ها، از تعصب اجتماعی سـور۲۰۱٤، جمعگرایی زاموت۲۰۱٤، حساسـیت بـه نامـوس سـینگال۲۰۱٤، نگرش مردسـالارانه مارکـوس و زاکـوس۲۰۱٤، انـزوای اجتماعی ابولگود۲۰۱۱، طـرد اجتماعی، فقر اجتماعی، فقر فرهنگی و فقر اقتصادی آشـیز۲۰۱۱ و قتل‌های ناموسـی موزام۲۰۰۹ استفاده شده اسـت. لازم به ذکر اسـت که نگارندگان نسبت به مکان مورد پژوهـش، شـناخت فرهنگی-اجتماعی کافی داشـته و اعتمـاد قابل‌توجهی بین پاسـخگویان و نگارندگان به لحاظ فرهنگی وجود داشـت.این آشنایی و شـناجت واهمیت موضوع مورد مطالعه که یکی از دلائل انتخاب جامعه مورد بررسـی بود، فرآیند مربوط به پژوهش را آسـانتر کرده بود. سـنجش اعتبار گویه‌ها، با استفاده از روش اعتبار صوری انجام شده و این اعتبار، بر پایه قضاوت داوران به وسیله چند تن از اساتید و کارشناسان متخصص، اهل فن و صاحب نظر در این زمینه مورد تایید قرار گرفته است. پایایی آن نیز با اسـتفاده از محاسـبه ضریب آلفای کرونباخ و انجام آزمون اولیه تایید شـده است. تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه نیز با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد.

جدول(۱) ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعداد گویه	ضریب آلفا
تعصب اجتماعی	۳	۸۱٪
جمع‌گرایی	۳	۸۴٪
حساسیت به ناموس	۴	۷۸٪
نگرش مردسالارانه	۴	۷۴٪
انزوای اجتماعی	۳	۷۱٪
طرد اجتماعی	۵	۷۲٪
فقر اجتماعی	۳	۸۰٪
فقر فرهنگی	۳	۷۶٪
فقر اقتصادی	۳	۷۴٪
قتل‌های ناموسی	۵	۸۳٪

یافته ها

یافته‌های تحقیق نشـان داد پنجاه و پنج درصد از پاسـخگویان مرد، سـی درصد سنین بین بیسـت تا سی، سی و نه درصد سـنین بین سـی و یک تا چهل و یک و سی و یک درصد سنین چهل و یک سال به بالا بودند. سی و هشت درصد مجرد و شـصت و دو درصد متاهل بودند. بیسـت و پنج درصد بی‌سواد، سی و یک درصد دارای تحصیلات ابتدایی، شانزده درصد راهنمایی، یازده درصد دبیرسـتان و هفده درصد تحصیلات دانشگاهی داشتند. شغل چهل و شش درصد کشاورزی، سی و پنج درصد دامداری و نوزده درصد آزاد نظیر بنایی، سلمانی، مسافرکشی و غیره بود. هشتاد و شش درصد از افراد معتقدبودند که رفتارجوانمردهای غیراخلاقی نظیر روابط نامشـروع، گفتگوی کلامی و مواردی از این قبیل وجهه خانواده، ایل و روسـتا

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.3.6.3]

را خدشه‌دار می‌کند و به‌عنوان عملی شرم‌آور تلقی می‌شود. پنجاه و نه درصد افراد سازوکار زدودن داغ ننگ در صورت وقوع مساله ناموسی، مهاجرت از منطقه به مناطقی ناشناخته و سی و هفت درصد نیز راندن و طرد کردن از خانواده و روستا و چهار درصد قتل و اعدام آن را بهترین سازوکار ممکن می‌دانند. چهل و سه درصد افراد برای تادیب زنان و جلوگیری از رفتارهای غیراخلاقی آن‌ها، تنبیه و ضرب و شتم را ضروری می‌دانستند. سی و شش درصد نصیحت بزرگان طایفه را مناسب و بیست و یک درصد طلاق را راه چاره چنین مساله‌هایی می‌دانستند.

جدول(۲) جدول توصیفی (درصد فراوانی) متغیرها

متغیر	کاملاً موافقم	موافقم	بی‌نظر	مخالفم	کاملاً مخالفم
قتل‌های ناموسی	۳۴٪	۱۸٪	۱۰٪	۲۴٪	۱۴٪
تعصب اجتماعی	۲۲٪	۱۹٪	۲۱٪	۳۳٪	۵٪
جمع‌گرایی	۳۶٪	۱۱٪	۹٪	۲۸٪	۱۶٪
حساسیت به ناموس	۱۴٪	۵۱٪	۱۴٪	۸٪	۱۳٪
نگرش مردسالارانه	۲۳٪	۳۰٪	۱۵٪	۱۱٪	۲۱٪
انزوای اجتماعی	۱۹٪	۲۶٪	۲۲٪	۷٪	۲۶٪
طرد اجتماعی	۳۳٪	۱۷٪	۱۱٪	۲۱٪	۱۸٪
فقر اجتماعی	۲۵٪	۱۳٪	۲۴٪	۳۳٪	۵٪
فقر فرهنگی	۳۶٪	۲۲٪	۱۹٪	۱۲٪	۱۱٪
فقر اقتصادی	۱۸٪	۳۸٪	۵٪	۲۰٪	۱۹٪

جدول(۳) بررسی همبستگی متغیرهای مستقل پژوهش و قتل‌های ناموسی

متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری دوطرفه	نتیجه
تعصب اجتماعی	۰/۶۱۰	۰/۰۴۰	قبول
جمع‌گرایی	۰/۳۴۸	۰/۰۰۱	قبول
حساسیت به ناموس	۰/۴۰۱	۰/۰۰۱	قبول
نگرش مردسالارانه	۰/۵۱۹	۰/۰۰۱	قبول
انزوای اجتماعی	۰/۶۷۸	۰/۰۰۱	قبول
طرد اجتماعی	۰/۴۰۳	۰/۲۳۵	رد
فقر اجتماعی	۰/۴۸۹	۰/۰۰۱	قبول
فقر فرهنگی	۰/۷۱۰	۰/۰۰۱	قبول
فقر اقتصادی	۰/۳۶۳	۰/۰۰۱	قبول

– نتایج آزمون پیرسون نشان داد که بین تعصب اجتماعی و قتل‌های ناموسی با ضریب همبستگی ششصد و ده هزارم و سطح معناداری چهل هزارم، رابطه مستقیم معناداری وجود دارد.

–یافته‌های حاصل از آزمون پیرسون نشان داد که بین جمعگرایی و قتل‌های ناموسی رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معناداری یک هزارم برابر با سیصد و چهل و هشت هزارم است..

–نتایج آزمون پیرسون که در سطح فاصله‌ای سنجیده شده، نشان می‌دهد که بین حساسیت به ناموس و قتل ناموسی رابطه مثبت ومعنی‌داری وجود دارد.مقدار ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معناداری یک هزارم برابر با چهاصد و یک هزارم است.

–یافته‌های آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که رابطه دو متغیر نگرش مردسالارانه در جامعه و قتل‌های ناموسی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی‌داری یک هزارم برابر با پانصد و نوزده هزارم است.

–یافته‌های آزمون نشان می‌دهد که بین دو متغیر انزوای اجتماعی و قتل‌های ناموسی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معناداری یک هزارم برابر با ششصد و هفتاد وهشت هزارم است.

–نتایج حاصل از آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین طرد اجتماعی و قتل ناموسی با توجه سطح معناداری بیشتر از پنج صدم برابر دویست و سی و پنج هزارم رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

–یافته‌های آزمون پیرسون که در سطح فاصله‌ای سنجیده شده‌اند، حاکی از این است که بین متغیر فقر اجتماعی و قتل ناموسی رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی دو متغیر در سطح

جدول(٤) آماره‌های تحلیل رگرسیون چندمتغیره عوامل قتل‌های ناموسی

متغیر	بتا	T	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی چندگانه		۰/۴۷۶
تعصب اجتماعی	۰/۱۸۹	۴/۰۴۲	۰/۰۰۱	ضریب تبیین		۰/۲۸۱
جمع‌گرایی	۰/۱۸۱	۲/۴۰۳	۰/۰۰۱	ضریب تبیین تصحیح‌شده		۰/۳۰۱
حساسیت به ناموس	۰/۲۹۷	۳/۰۲۱	۰/۰۰۱	کمیت دوربین واتسون		۱/۸۲۲
نگرش مردسالارانه	/۱۰۹	۱/۵۳۲	۰/۰۱۱	آنالیز واریانس	کمیت F	۳۶/۵۲
انزوای اجتماعی	۰/۲۹۲	۶/۹۴	۰/۰۰۱			
طرد اجتماعی	۰/۱۱۲	۲/۴۳۵۰	۰/۰۰۳			
فقر اجتماعی	۰/۳۲۴	۵/۶۷۹	۰/۰۰۱		سطح معناداری	۰/۰۰۱
فقر فرهنگی	۰/۲۱۴	۶/۸۹۴	۰/۰۰۱			
فقر اقتصادی	۰/۲۲۱	۴/۳۸۱	۰/۰۰۱			

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.3.6.3]

معنی‌داری یک هزارم برابر با چهارصد وهشتاد و نه هزارم است -یافته‌های آزمون پیرسون حاکی از این است که بین فقر فرهنگی و قتل ناموسی رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی‌داری یک هزارم برابر با هفتصد و ده هزارم است. -یافته‌های آزمون نشان می‌دهد که بین فقر اقتصادی و قتل ناموسی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی‌داری یک هزارم برابر با سی و شش صدم است. نتایج حاصل از ازمون رگرسیون همزمان،جدول شماره ۲ نشان داد متغیر وابسته قتل ناموسی بیشتر متاثر از متغیر فقر اجتماعی با بتای سیصد و بیست و چهار هزارم است. به‌عبارتی، در قتل‌های ناموسی متغیر مذکور بالاترین تاثیر و متغیر نگرش مردسالارانه کمترین تاثیر را داشته است. با رجوع به جدول تحلیل رگرسیون چندمتغیره می‌توان دریافت که تاثیر متغیرهای مستقل بر وابسته، معنی‌دار بوده است و ضریب تبیین تصحیح‌شده حکایت از آن دارد که سیصد و یک هزارم درصد تغییرات متغیر وابسته قتل‌های ناموسی به‌وسیله متغیرهای مستقل تعصب اجتماعی، جمعگرایی، حساسیت به ناموس، نگرش مردسالارانه، انزوای اجتماعی، طرد اجتماعی، فقر اجتماعی، فقر فرهنگی و فقر اقتصادی تبیین شده است. آزمون دوربین واتسون نیز فرض مستقل بودن خطاها یا باقی‌مانده‌ها را آزمون می‌کند. دامنه این کمیت بین صفر و چهار است و معمولا محدوده بین یک و نیم الی دو و نیم، موردقبول و نشان‌دهنده مستقل بودن باقی‌مانده‌ها از یکدیگر می‌باشد. در این آزمون مقدار دوربین واتسون یک ممیز هشتصد و بیست و دو هزارم به‌دست‌آمده است که نشان می‌دهد، باقی‌مانده‌ها از یکدیگر مستقل هستند. همچنین، مدل رگرسیونی تبیین شده نیز طبق آزمون تحلیل واریانس انجام‌شده خطی و معنادار می‌باشد، زیرا مقدار آزمون F برای تعیین معنی‌داری اثر متغیرهای مستقل بر قتل‌های ناموسی برابر با سی و شش ممیز پنجاه و دو صدم با سطح معنی‌داری صفر است.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر بروز قتل‌های ناموسی انجام شد. نتایج نشان داد، هر چه تعصب اجتماعی و جمعگرایی افراد بیشتر باشد، میزان گرایش آن‌ها به قتل‌های ناموسی نیز بیشترمی شود. نتایج اغلب تحقیقات قبلی از جمله تحقیق سور۲۰۱٤، زاموت۲۰۱٤، سینگال۲۰۱٤ و مارکوس و زاکوس۲۰۱٤ که پدیده قتل‌های ناموسی را ناشی از باورهای اشتباه اجتماعی از جمله تعصب اجتماعی بیان کرده‌اند همسو می باشد.[۸،۹و۱۱] نتایج تحقیق حاضر، حساسیت به ناموس را از عوامل پدیده قتل ناموسی بیان کرده است که با نتایج تحقیقاتی همچون خانواده‌گرایی سور۲۰۱٤، آبروی اجتماعی موزام۲۰۰۹ و غیرت مردانگی زاموت۲۰۱٤، همخوانی دارد و ناموس‌پرستی را به‌نوعی از عوامل قتل‌های ناموسی عنوان کرده‌اند.[۸،۹و۱۹] یافته‌های تحقیق، نگرش مردسالارانه را از عوامل دیگر قتل‌های ناموسی بیان کرده است که بانتایج تحقیقاتی چون نگرش مردسالاری سور، فقدان حقوق لازم برای زنان مارکوس و زاکوس و ساختار مردسالارانه ابولگود۲۰۱۱ همسواست.[۸و۱۳] براساس نتایج تحقیق، انزوای اجتماعی از دیگر عوامل قتل‌های ناموسی است. تحقیقات مروگاننزان۲۰۱٤ فقدان تحرک اجتماعی و مارکوس و زاکوس انزوای محلی نیز با این نتیجه همخوانی دارند.[۱۰] هرچند روبرت۲۰۱۰ طردشدگی را یکی از پیامدهای اصلی قتل‌های ناموسی بیان کرده و جوزف و نگمابادی۲۰۰۳ طرد افراد خاطی از جامعه را یکی از عوامل این پدیده بیان کرده است، اما تحقیق حاضر آن را به‌عنوان یکی از عوامل قتل ناموسی مورد تایید قرارنداده است.هرچند که نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد طرد اجتماعی یکی از متغیرهای تبیین‌کننده قتل ناموسی است.[۲۳] فقر اجتماعی و فرهنگی از دیگر عوامل این پدیده است که نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات انجام شده قبلی از جمله زاموت پایین بودن سطح فرهنگ و تحصیلات، مروگاننزان فقر فرهنگی، فقدان تحرک اجتماعی؛ سینگال فقدان آگاهی اجتماعی همخوانی دارد.[۹و۱۰] نتایج این پژوهش نشان داد، فقر اقتصادی یکی از عوامل قتل ناموسی در جامعه موردمطالعه است که این یافته با نتایج برخی از تحقیقات قبلی از جمله ابولگود۲۰۱۱و مروگاننزان۲۰۱٤ همخوانی دارد.[۱۰و۱۳]

قتل ناموسی، متغیری چندوجهیست که با ابعادی مختلف در ارتباط است. در جوامع سنتی احتمال وقوع آن بیشتر

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.3.6.3]

است و علل آن حساسیت به ناموس، تسلط هنجارهای مردانه، عصبیت سنتی ایلی، داغ ننگ اجتماعی، ناآگاهی به حقوق اجتماعی زنان، غیرقابل بخشش و اصلاحی دانستن رفتاری غیراخلاقی آن‌ها و مواردی این چنین می‌باشد. به‌طورکلی، تحقیقات انجام شده، قتل‌های ناموسی را پدیده و مساله‌ای اجتماعی و فرهنگی و عوامل اجتماعی-فرهنگی موثر بر آن را مورد تاکید قرار داده‌اند

محدودیت‌ها: جامعه مورد مطالعه این پژوهش خانوارهای روستایی و عشایری می‌باشند که نماینده کل جامعه ایرانی نیستند بنابراین نتایج تحقیق ممکن است قابل تعمیم به کل جامعه نباشد. همکاری نکردن وعدم تمایل برخی از افراد به تکمیل پرسشنامه با توجه به موضوع مورد بحث، به دلایل فرهنگی و حفظ حرمت شخصی و خانوادگی و جلب اعتماد پاسخگویان، از دیگر مشکلات و محدودیت‌های خاص این تحقیق بود. همچنین همه نتایج این مطالعه بر اساس پاسخ افراد است؛ بنابراین مشکلات ناشی از این نوع مطالعات را نیز در بر دارد. از دیگر محدودیت‌های این پژوهش راحت نبودن دسترسی به افراد مورد پرسش و فاصله مکانی افراد نمونه از یکدیگر بود. همچنین ترجیح به انجام پژوهش به‌صورت کیفی بود که با وجود وضعیت خاص جامعه و نمونه آماری، امکانپذیر نشد.

پیشنهادها: براساس یافته‌های تحقیق، در راستای کاهش پدیده قتل‌های ناموسی و پیشگیری از پیامدهای احتمالی آن، پیشنهاد می‌شود: تقویت زیربنای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از طریق ایجاد فرصت‌های آموزشی، شغلی و زمینه‌های درآمد و مبارزه جدی علیه فقر، بی‌سوادی، خرافات و تعصبات بیجا در جوامع سنتی به‌ویژه در جوامع سنتی. استفاده از وسایل ارتباط‌جمعی از جمله رسانه ملی در جهت آموزش خانواده‌ها و آگاه‌سازی فرهنگی و اجتماعی آن‌ها با استفاده از مشاوران، جامعه‌شناسان و روانشناسان متخصص. تعریف و اعمال قوانین و مقررات مناسب و نظارت قضایی در راستای پیشگیری و مقابله با تصمیمات و اقدامات ناشی از تعصبات بی‌جا، ساختار نامناسب اجتماعی و باورهای فرهنگی و سنتی غلط در مناطق روستایی در مساله‌های زناشویی و ناموسی. ایجاد نهادهای متناسب با خانواده جهت اتخاذ تدابیر مشخص باهدف حمایت و اعاده حیثیت و جبران خسارت متضررین تجاوزهای جنسی. جلوگیری از ازدواج‌های اجباری، مصلحتی و قبل از وقت و رعایت شرط رضایت در ازدواج و انتخاب آزادانه همسر برای دختران با تعریف ارزش‌ها و هنجارهای منطقی و مطابق با اصول اسلامی با تعامل بین نهادهای حوزوی، فرهنگی، آموزشی و آگاه‌سازی خانواده‌های ایرانی به‌ویژه روستایی و عشایری بر ارزش‌ها و هنجارهای جدید تعریف شده. تقویت فعالیت جامعه مدنی و رسانه‌ها در جهت ارتقای سطح آگاهی مردم در مورد حقوق زنان و مبارزه منظم علیه هرگونه خشونت علیه زنان در سطح خانواده و اجتماع.

منابع

References:

1. Gah S. Women living under Muslim laws, Karo-Kari, TorTora, Siyahkari, Kala Kali: There is no honour in killing. National seminar report, Lahore, 2001.
2. Haybhay S, Patwe D, Jawale P. Honor killing: Killing the honour of humanity? SASCV Proceedings, 2013.
3. UNIFEM. Fact and figures on harmful traditional practices. UNIFEM Publication, Geneva; 2007.
4. Haile J. Honour killings, its causes and consequences:Suggested strategies for the European parliament. European Parliament Publication; 2007.
5. Kumar A. Public policy imperatives for curbing honour killings in India. Journal of Politics & Governance. 2012;1(1):33-7.
6. Bernard S. Combating honour crimes in Europe. SURGIR Foundation Publication. 2013;9.
7. Kurkiala M. Interpreting honour killings: The story of Fadime Sahindal (1975–2002) in the Swedish press. Anthropology Today. 2003;19(1):6-7.
8. Sev'er A, Yurdakul G. Culture of honor, culture of change: A feminist analysis of honor killings in rural Turkey. Violence Against Women. 2001;7(9):964-98.
9. Zaumot J. Honour crimes in middle east. Capstone Project 2014.
10. Murugananthan S. Honour killing' the menace - A case study in Tamil Nadu. International Journal of Management Research and Social Science (IJMRSS). 2014;1(1).
11. Singhal V. Honour killing in India: An assessment. Indian Council for Social Science Research (IC-

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.3.6.3]

SSR). 2014.
12. Bostan H. Sex Inequality and Oppression. Seminary and University Research Institute. Vol 1. 2003.
13. Abu-Lughod L. Seductions of the "honor crime". Differences: A Journal of Feminist Cultural Studies. 2011;22(1):17-63.
14. Dhiman S, Tania S. No 'honour' in killing: A socio-legal analysis. International Journal of Recent Scientific Research 2017;8(7).
15. Hosseini SB, Basavaraju C. Study on honor killing as a crime in India-cause and solutions. 2016.
16. Flatley J. Crime in England and Wales: Year ending June 2017. Crime against household and adult, also including data on crime experienced by children, and crime against businesses and society. 2017.
17. Singh S. Honour killings in India: Need for a composite and strict legal framework. International Journal of Interdisciplinary and Multidisciplinary Studies (IJIMS). 2017;4(3).
18. Ray A. Honor killing cases among south Asians in the UK rising. The Indian Times Retrieved. 2011;8.
19. Nasrullah M, Haqqi S, Cummings KJ. The epidemiological patterns of honour killing of women in Pakistan. European Journal of Public Health. 2009;19(2):193-7.
20. Warraich S.A, 'Honour killings' and the law in Pakistan, in L. Welchman, S. Hossain, Honour: crimes, paradigms and violence against women, London,
2005, 78-110.
21. Ali Y. (Dissertation) Honor, the state, and its implications: An examination of honor killing in Jordan and the efforts of local activists Auburn, Alabama. Auburn University, 2008.
22. Brandon J, Hafez S. Crimes of the community: Honour-based violence in the UK. Centre for Social Cohesion; 2008.
23. Fisk R. The crimewave that shames the world. The Independent. 2010;7.
24. Broken bodies,shattered minds, torture and ill treatment of women. Amnesty International Publications, London: 2011.
25. Inglehart R, Baker WE. Modernization, cultural change, and the persistence of traditional values. American Sociological Review. 2000:19-51.
26. Roberts KA, Campbell G, Lloyd G. Honor-based violence: Policing and prevention. CRC Press; 2013.
27. Habib H, Asad U, Muhammad I. Honor killing: Its causes and socio-legal controlling mechanisms. Lambert Academic Publishing: 2013.
28. Haviland WA, Prins HE, McBride B, Walrath D. Cultural anthropology: The human challenge. Cengage Learning; 2013.
29. Suad J, Afsaneh N. Encyclopedia of women & Islamic cultures: Family, body, sexuality and health. Netherlands. 2005;3:174.
30. Hassani SM, Gender differences from the perspective of Islam and feminism. Women's strategic studies. 2004; (23):189-219.
31. Garrett S. Gender (Society Now). London, New York: Routledge, 1992. [Persian].
32. Ann O. Woman's work: The housewife. Past and Present.1st edition, Random House Inc. 1976

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.3.6.3]